

**مدرنیته‌ی گفت و گویی؛
جمالزاده و افسانه‌ی پدر داستان‌نویسی**

نویسنده: حمید رضایی یزدی

مترجم: یاسر فراشاهی‌نژاد

ویرایش: جعفر فسایی



سرشناسه: رضایی یزدی، حمید، ۱۳۴۹- | عنوان و نام پدیدآور: مدرنیته‌ی
گفت‌وگویی؛ جمال‌زاده و افسانه‌ی پدر داستان‌نویسی / نویسنده حمید رضایی یزدی،
آرشاویز مظفری؛ مترجم یاسر فراشاهی‌نژاد؛ ویرایش جعفر فسایی. |
مشخصات نشر: تهران: طرح نو، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص؛ س.م. |

شابک: ۸-۱۵۸-۴۸۹-۹۶۴-۹۷۸ | وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا |

یادداشت: عنوان اصلی: Persian Literature and Modernity, 2019 |

موضوع: جمال‌زاده، سیدمحمدعلی، ۱۲۷۰ - ۱۳۷۶ -- نقد و تفسیر |

موضوع: داستان‌نویسان ایرانی -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر |

| Novelists, Iranian -- 20th century -- Criticism and interpretation موضوع:

موضوع: ادبیات ایرانی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

| Iranian literature -- 20th century -- History and criticism موضوع:

موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد |

| Persian fiction -- 20th century -- History and criticism موضوع:

| Mozafari, Arshavez | شناسه افزوده: شناسه افزوده: آرشاویز |

شناسه افزوده: مظفری، آرشاویز | شناسه افزوده: یاسر، ۱۳۶۷ -، مترجم |

شناسه افزوده: فسایی، جعفر، ۱۳۶۴ -، ویراستار |

رده‌بندی کتاب: PIR ۸۰۰۹ | رده‌بندی دیویی: ۳/۶۲ فا۸ |

شماره کتابخانه‌ای: ۸۵۴۸۴۸۷۱ | وضعیت رکورد: فیبا |

www.ketab.ir

عنوان: مدرنیته‌ی گفت‌وگویی؛ جمال‌زاده و افسانه‌ی پدر داستان‌نویسی |

نویسنده: حمید رضایی یزدی | مترجم: یاسر فراشاهی‌نژاد |

ویرایش: جعفر فسایی | ناشر: طرح نو |

نوبت چاپ و سال انتشار: اول، ۱۴۰۰ |

شابک: ۸-۱۵۸-۴۸۹-۹۶۴-۹۷۸ |

صفحه‌آرا: سمیه آهنگر | طراح روی جلد: آرام یعقوبی |

چاپخانه: الوان |

شمارگان: ۷۰۰ نسخه |

حق انتشار: همه حقوق محفوظ است |



فهرست

پیشگفتار مترجم	۷
مقدمه	۱۳

بخش اول:

سنتِ گفت و گویی مدرنیته‌ی ایرانی:	۱۷
مناظره، هم‌زمانی و هم‌نشینی گفتمان‌ها، و شکل‌گیری ایران مدرن	۱۷

بخش دوم:

ادبیات داستانی مدرن فارسی و افسانه پدر داستان‌نویسی	۷۵
ظهور پدر داستان‌نویسی	۷۸
شتر گاو پلنگ: مخلوق دورگه	۹۲
مناظره: نظم پریشان؛ صف آرای گفتمان‌ها	۹۷
انجمن برلین	۱۳۸
بازخوانی داستان فارسی شکر است	۱۴۳
«مانیفست»، یکی بود یکی نبود و کارهای دیگر جمالزاده	۱۴۹
فرجام سخن	۱۷۲
فهرست منابع بخش اول	۱۸۵
فهرست منابع بخش دوم	۱۸۶
فهرست اعلام	۱۹۶

پیشگفتار مترجم

کتاب پیش رو، ترجمه‌ای است از مقاله: «The Dialogical Tradition of Iranian Modernity and modernity» و فصل اول کتاب: *Persian literature* رسیده است. این هردو بخش کتاب حاضر، توسط دکتر حمید رضایی یزدی، دانش آموخته‌ی دکتری رشته مطالعات تاریخ خاورمیانه و خاور نزدیک دانشگاه تورنتو و استاد مطالعات لیبرال کالج هامبر در کانادا، به رشته‌ی تحریر در آمده است.

کتاب *Persian literature and modernity* چند ماه پس از چاپ به وسیله دوستی به دستم رسید. گرچه تمام فصل‌های کتاب، که به وسیله محققان خوبی نوشته شده، بسیار خواندنی می‌نمود، به‌خاطر حوزه‌ی پژوهشی مورد علاقه‌ام، بیشتر مجذوب فصل اول کتاب شدم. وسوسه‌ی ترجمه‌ی این فصل کتاب با من بود تا این که در سال ۱۳۹۹ تصمیم گرفتم منابع این بخش کتاب را جست‌وجو کنم و این فصل را به صورت مجزا ترجمه کنم. سابقه‌ی دوستی با نویسنده کار یافتن منابع را سخت هموار کرد، اما احساس می‌کردم این فصل از کتاب، به عنوان یک اثر مستقل بسنده نیست و گویی آنچه نویسنده از مفهوم گسترده‌ی «گفت‌وگو» مراد می‌کند، لااقل برای خود من، هنوز مبهم است. درنهایت، بحث و گفت و گو با نویسنده مرا به مقاله‌ی مهمی از او راهبر شد که سال‌ها پیش به پایمردی دکتر محمد توکلی طرقی (استاد تاریخ



در دانشگاه تورنتو) آن را از نظر گذرانده بودم (مقاله را ایشان در جواب پرسشی در باب مدرنیته در ایران برای من فرستاده بودند). مقاله: "The Dialogical Tradition of Iranian Modernity" مقاله مفصلی است که در سال 2016 در مجله معتبر *Iranian Studies* به طبع رسیده است. از این رو، تصمیم گرفتم برای روشن تر ساختن مباحث کتاب، بخش اول را به ترجمه‌ی این مقاله اختصاص دهم.

در این بخش، نویسنده با اشاره به سنت گفت‌وگویی مناظره‌ها در ایران، نشان می‌دهد که گفتمان‌های قانون-شریعت، شفا-درمان، طالع‌بینی-نجوم و عقلگرایی-معنویت، برخلاف باور غالب عمومی، همواره نه در مقابل هم، که در کنار هم بوده‌اند، و از هم تأثیر پذیرفته‌اند. به زعم حمید رضایی: «در جامعه‌ای که برخی علمای آن از ایده‌ی مدرسه مدرن استقبال کردند یا خود چنین مدرسه‌هایی را افتتاح کردند و در کشوری که برخی روشنفکران پیشرواش مشروطه را به دیده‌ی تردید می‌نگریستند و حتی به دیگران توصیه می‌کردند در اجرای آن محتاط باشند، همچنین در سرزمینی که بعضی طرفداران سرسخت عقلگرایی به فال و استخاره متوسل می‌شدند، به عاریت-گرفتن اندیشه‌های مدرن ناهمگن تر و پیچیده‌تر از آن بود که بتوان همچون برخی خوانش‌های ساده‌انگارانه تاریخ روشنگری‌اش را به نزاع و تقابل «سنت» و «مدرنیته» تقلیل داد»^۱ بنابراین، او برخلاف طرفداران خوانش‌های قالبی و تکراری از تاریخ ایران، مدرنیته‌ی



ایرانی را جدا از سنت، و مقوله‌ای یکدست نمی‌بیند. رضایی تصوّر نمی‌کند که مدرنیته عقلگرایی محض است و طرفداران سنت و تجدّد همواره رویاروی هم ایستاده‌اند. به بیان دیگر، نویسنده با ارائه‌ی اسناد و مدارک بسیار، تکثر گفتمانی روزگار مشروطه و پس از آن را به تصویر می‌کشد. آشنایی با این گفت‌وگو محوری فرهنگ ایران روزگار مشروطه و اندکی پس از آن، راه را برای فهم مطالب بخش دوم کتاب باز می‌کند.

در بخش دوم، که ترجمه‌ای از فصل اول کتابی است که در ابتدای سخن ذکرش رفت، نویسنده درصدد است که به ما ثابت کند جمالزاده پدر داستان‌نویسی فارسی نیست و نخستین مجموعه داستان او، یکی بود یکی نبود، نه حاصل تقلید از ادبیات داستانی غرب که برآمده از سنت قصه‌نویسی فارسی، مناظره‌های روزگار مشروطه، و تکثر گفتمانی جامعه‌ی ایران آن روزهاست.

رضایی ابتدا به ما نشان می‌دهد که نخستین بار یک شرق‌شناس (چایکین) جمالزاده را پدر داستان‌نویسی و انتقال‌دهنده‌ی سنت داستان‌نویسی غربی به ایران نامید و بعد دیگران بی‌تحقیق و تأمل چندانی سخنان او را تکرار کرده‌اند. نویسنده در مرحله‌ی بعد ویژگی‌های مناظره‌های روزگار مشروطه و اندکی پس از آن را تحلیل می‌کند و به ما نشان می‌دهد که داستان‌نویسی جمالزاده ادامه همین سنت گفت‌وگویی است. مثلاً یکی از مهمترین این ویژگی‌ها درهم آمیختن ژانرها، متون و حتی زبان‌های مختلف در مناظره‌هاست؛ چنان که می‌توان به جرئت گفت این خصیصه مناظره‌ها را به متونی



چندصدا تبدیل کرده‌است. درنهایت، دکتر رضایی با واکاوی عناصر روایی، موضوعات و مفاهیم داستان‌های جمالزاده، نشان می‌دهد که این داستان‌ها، بیش از آنکه تقلیدی از نویسندگان فرنگی باشد، ادامه سنت گفت‌وگویی مناظره‌های اواخر عهد قاجار است.

حال سؤال اینجاست که اساساً چنین تحقیقی چه ضرورت و فایده‌ای دارد؟ آیا هدف صرفاً آشنایی‌زدایی از پژوهش‌های پیشین و پی‌افکندن طرحی نو است؟ به زعم من، این پژوهش علاوه بر ترویج رواداری فرهنگی، لاقلاً برای داستان‌نویسی امروز ایران فواید بی‌شماری دارد. پیش و بیش از همه اینکه سال‌ها محققانی در خارج و داخل ایران بر این باور بوده‌اند که جمالزاده پدر داستان‌نویسی است،^۱ داستان‌نویسی ایران ادامه داستان‌نویسی غربی است و در نتیجه نویسندگان ایرانی باید چشم‌پسته از مکاتب ادبی غربی یا نویسندگان غربی تقلید کنند. پیامدهای چنین برداشت‌هایی سخت آشکار است. نخست اینکه بسیاری منتقدان، داستان‌نویس ایرانی را فرزندِ صغیر داستان‌نویسان غربی انگاشته‌اند و کار نویسنده ایرانی را اثری دست‌چندم و مقلدانه پنداشته‌اند که لزوماً دُم‌ش به دُمِ فلان مکتب داستان‌نویسی غربی پیوسته یا از فلان نظریه تأثیر پذیرفته‌است. به گمانم این امر در روگردانی خوانندگان از داستان فارسی بی‌تأثیر نبوده است؛ بازار امروز کتاب ایران و اقبال خوانندگان به داستان‌های ترجمه

۱- چنان که در جای دیگری نشان داده‌ام علی‌رغم باور بسیاری محققان، جمالزاده حتی اولین کسی نیست که برای رمان و داستان مانیفست نوشته است. بنگرید به نظریه‌های رمان در ایران، ۱۵۷.



شده، شاهدهی بر این مدعا تواند بود. همچنین، شاید به همین دلیل آثار درخشان ادبیات داستانی معاصر فارسی، چنان که باید و شاید به جهانیان معرفی نشده‌است!؛ دُدیگر اینکه بسیاری نویسندگان هم گرفتار این عقده‌ی کهتری شده‌اند و گمان می‌کنند برای نوشتن باید صرفاً مقلد نویسندگان بزرگ جهان بود. با توجه به گذشته‌ی درخشان ادبیات فارسی، داستان‌نویسی فارسی، حتی در مقایسه با داستان‌نویسی ترکیه، آمریکای لاتین و آفریقا و... به جایگاه جهانی درخور خود نرسیده‌است. آیا نمی‌توان در این زمینه انگشت اتهام را به سمت افرادی نشانه گرفت که هنوز تعاریف قالبی و مکتبی از داستان‌نویسی به دست می‌دهند؟ آیا داستان‌نویسی در آمریکای لاتین از بن‌مایه‌های فرهنگی آمریکای لاتین می‌گیرد؟ آیا نویسندگان بزرگ آمریکای لاتین و آفریقا صرفاً از رمان‌نویسی غربی تقلید کرده‌اند؟ نکته شایان توجه دیگر در این پژوهش نوع برخورد نویسنده با نظریات غربی است. رضایی یزدی، چنان که در پاورقی کتاب به شکل مفصل توضیح داده‌است، از نظرات باختین و دیگران استفاده کرده، اما محدودیت‌های نظرات باختین را نیز برشمرده و کاملاً تابع نظرات او نبوده‌است. به بیان دیگر، او در استفاده از نظریات ادبی و... رویکردی انتقادی دارد نه مکانیکی.

ممکن است پس از خواندن کتاب حاضر، این سؤال برای بسیاری خوانندگان پیش بیاید که اگر به راستی ما چنین جامعه‌ی چندصدا و گسترده‌نظری داشته‌ایم، چرا از روزگار رضاخان به بعد این فضای گفت‌وگو محور از رونق افتاد؟ گمان می‌کنم جواب این پرسش را تا



حدود زیادی می‌توان در مقاله مهم دکتر توکلی با عنوان: "narrative identity in the works of Hedayat and his contemporaries" (2008) یافت. به زعم ایشان گویا این حضور قدرتمند ناسیونالیسم افراطی و فاشیسم اروپایی در ایران بود که ره گفت و گو را بست. صاحب این قلم در جای دیگری به تفصیل در این باب سخن گفته‌است.^۱

ترجمه‌ی این کتاب را بیش از همه مرهون لطف و همراهی دوست و استاد بزرگوارم حمید رضایی یزدی هستم که صبورانه و بی‌منت به من آموخته‌است و ترجمه این کتاب را به همو تقدیم می‌کنم. مثل همیشه از همسرم، رؤیاذاکری، سپاسگزارم که در راه دشوار نوشتن، صبورانه در کنار من است. نیز از مدیر محترم نشر طرح‌نو، حسین پایا، تشکر می‌کنم که بار دیگر به من اعتماد کرد و شرایط نشر این کتاب را فراهم ساخت. در پایان به جان منت‌پذیر دوست فاضلم جعفر فسایی هستم که رنج ویرایش این کتاب را بر خود هموار نمود.

ی.ف

بهار ۱۴۰۰